



جایگاه برنامه درسی کارورزی در برنامه های تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان

هادی اسدپور^۱، نسیم سبزرگی^۲

۱- آموزگار پایه ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان چارواپماق، hadi_asadpor@yahoo.com

۲- آموزگار پایه ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان چارواپماق، hadi.asadpourr72@gmail.com

چکیده

اختیار معلمان و دانشجو معلمان قرار دهد تا دانستن های خود را وارد محیطی عملی کنند این برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان به صورت واحد درسی کارورزی گنجانده شده است؛ برنامه درسی کارورزی، برنامه یادگیری فکورانه و تجربی بر مبنای صلاحیت های علمی و حرفه ای معلمان و دانشجو معلمان در صحنه عمل است بر همین اساس در این مقاله سعی بر آن شده است تا اهمیت جایگاه برنامه درسی کارورزی در واحد های درسی دانشگاه فرهنگیان مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژگان: برنامه درسی ملی، دانشجو معلم، دانشگاه فرهنگیان، کارورزی

خودشان به سوی نوا و نوآوری ها نیست، نه تنها هیچ لذتی از درسی که می دهند نخواهند برد، بلکه یادگیرندگان خودشان را هم از درک و لذت یاد گرفتن محروم می سازند. از این جهت درس کارورزی را می توان به گونه ای اجرا کرد که به توانمندی های مبتکرانه، نوآورانه و انعطاف پذیر معلمان تلنگر زده شود تا به جهان بینی حرفه ای وسیع تری برسند و آموزش هایشان را فعال تر و کارآتر کنند. به جرأت می توان از سه فقر آشکار در زندگی و نیز دنیای یادگیری و یاددهی یاد کرد: فقر خوب دیدن، فقر خوب شنیدن، فقر خوب عمل کردن. منشأ این سه فقر یاد دادن های سنتی و تغییر نیافته ای است که حاضر نشده ایم به «تغییر» آنها بها بدهیم. امروزه، همه جا می بینیم که «یاد دادن فن معلمی» به معلمان در کارگاه های یادگیری مهارت های حرفه ای، امری ناگزیر شده و اجتناب پذیر هم نیست. روش ها و شیوه های این نوع اجرا شناخته شده اند و در ادبیات آموزشی و پرورشی موجود ما تعالی های فراوان دارند.

تاریخچه تربیت معلم

تا قبل از تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات (در سال ۱۲۹۷ هـ ش) معلمان مکتب خانه ها و مدارس در مراکزی که اختصاص به تربیت معلم داشت، تربیت نمی شدند. معلمان مدارس، اغلب از میان طلاب کوشا و با استعدادی انتخاب می شدند که در جلسات استاد، یا سؤال و جواب، لیاقت خود را نشان می دادند و یا تعلیقاتی بر کتاب های موجود می افزودند و رساله های علمی می نوشتند.

دانستن، توانستن نیست. اما توانستن می تواند دانستن هم باشد، چون هر کار درستی که انجام شود، لاجرم باید از روی توانستن انجام گرفته باشد. عکس این قضیه ثابت نمی شود. چه بسا دانستن های بسیار هم نتوانند به میدان عمل کشانده شوند، یا به انجام کاری منجر گردند از این رو وقتی بخواهیم معلم شدن و معلم بودن را به آنهایی که علاقه دارند، یاد بدهیم، و در این وادی به مهارت های لازم برساییم، باید از قانون «فن آموزی حرفه ای» بهره بگیریم. به عبارتی افراد متقاضی را در محیطی که توانایی دانش آنها نمود عمل پیدا کند آموزش دهیم بنابراین به برنامه ای نیاز است که این موقعیت ها را در

مقدمه

همه دانسته ها و توانستن ها از مقوله های تجربه ای و عمل کردنی هستند. صدای بلند هر اقدامی همواره از توانستن و عمل کردن طنین می افکند. بنابراین، ضعف بسیاری از معلمان در مهارت های حرفه ای از روی ندانستن های آنان نیست، بلکه صرفاً به خاطر نتوانستن های آنان است.

آیا معلمان حرفه نیاموخته می توانند محور تغییر به سوی خوشبختی ها و توسعه و پیشرفت جامعه باشند؟

امانوئل کانت به یک باور دلپسندی رسیده است: «آدمی می تواند رام و دست آموز شود؛ ممارست کند و به طور ماشینی آموزش ببیند، و می تواند واقعا روشنفکر هم بار آید. تنها اسبان و سگان دست آموز و رام نمی شوند، بلکه آدمی هم ممکن است چنین شود». در هدایت های عملی درس کارورزی که به شیوه «بازی نقش» به اجرا در می آیند غالباً می توان به معلمان یاد داد «پرسش کنند»، «عمل کنند» و «نتیجه عملکردشان را به نمایش بگذارند». هر قدر عملکردها با تکرار بیشتر و بیشتری همراه شوند خواهند توانست حرفه گران سنگ و کلیدی خود را همواره در یاددهی های خویش مد نظر داشته باشند، خودشان را حس کنند و از توانمندی های خود غافل نمانند. اگر معلمان این باور را در خود نپرورانده باشند که فقط عامل اجرای برنامه های دیکته شده نیستند و نباید خود را به ماشین واره هایی تبدیل کنند که رفتارها و مطالب درسی شان در اختیار گستراندن